

مسائل جامعه روستایی ایران در آغاز سده ۱۴ق / ۲۰م (نمونه محال ثلاث)

شهرام یوسفی‌فر^۱

(دریافت ۱۷/۷/۱۳۹۸ پذیرش ۱۵/۱۱/۱۳۹۸)

چکیده

این بررسی در باب تاریخ اجتماعی روستا در ایران و برای شناسایی و مقوله‌بندی مسائل اجتماعی در روستاهای منطقه ثلاث، مربوط به سال ۱۳۲۵ق صورت گرفت. با وجود اهمیت جامعه روستایی در تاریخ ایران و نیز آستانه انقلاب مشروطیت، اندک مطالعات موجود بر موضوعات جنبش دهقانی و مسائل ارضی متمرکز است و بر گزارش ناظران، کنشگران و اندک بازتاب‌های مسائل روستاییان در رسانه‌های وقت تکیه دارد، در حالی که شناخت جامعه روستایی نیازمند درک عمیق و گسترده مناسبات اجتماعی مبتنی بر وصف جامع واقعیت جامعه مزبور در هر دوره است. در پژوهش حاضر، بر اساس داده‌های مجموعه اسناد حقوقی (دفتر اجرای احکام، سال ۱۳۲۵ق) مربوط به یک ولایت نمونه (محال ثلاث و شقایق) - که جامعه - ای همگون از روستاهای میانه، گرمروود و سراب را دربر می گرفت - انجام شد تا به این پرسش پردازد که چالش‌ها و مسائل اجتماعی جوامع روستایی مزبور چه بودند؟ بنا به ماهیت پرسش، با روش تحقیق کیفی، از طریق بررسی مستندات مربوط، اطلاعات موردنظر شناسایی و استخراج شد. با پردازش مضامین آن‌ها، تحلیل صورت گرفت و درنهایت، در چارچوب‌های مفهومی و مقوله‌های کیفی سازماندهی شد. نتیجه تحقیق نشان داد، مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل اجتماعی جامعه روستایی موردنظر بنا به اولویت چنین بودند: چالش‌های مالی، اعمال خشونت و ستیزه‌های اجتماعی، سرقت، ستیزه‌گری رعیت با ارباب و امتناع از تعهدات مالی، چالش‌های خانوادگی، نپرداختن مالیات‌های دیوانی، ایراد خسارت به اموال غیر، تصرف ملکی و موارد دیگر.

۱. استاد گروه تاریخ، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

واژه‌های کلیدی: چالش‌های مالی، بهره‌اربابی، تصرف املاک، مسائل مالیات‌ستانی، مسائل جامعه روستایی.

مقدمه

تاریخ اجتماعی روستا در ایران، عرصه‌ای فراموش شده است. روستاها تا سده ۱۴ق/ ۲۰م، موقعیتی تعیین‌کننده در شیوه تولید و جریان زندگی اجتماعی ایرانیان داشتند. در جریان پیوندهای جامعه ایران با نظام جهانی سرمایه‌داری و بروز تغییرات تدریجی در زیرساخت‌های مناسبات کهن، مسائل خرد و کلان اجتماعی - اقتصادی بسیاری ایجاد شد و شماری برنامه اصلاحات اجتماعی و درنهایت، جنبش مشروطیت (۱۳۲۴ق) برای برون‌رفت از آن موقعیت پیچیده رخ داد. فعالان اجتماعی امید داشتند جامعه در فرایند اصلاحی یا انقلابی از موقعیت بحرانی عبور و توسعه پیدا کند. اگرچه نتایج دور از انتظار بود.

در میان چالش‌ها و مسائل اجتماعی بسیاری که در آستانه انقلاب وجود داشت، وضعیت روستاها و روستاییان، بنا به حضور نیروها و ظرفیت‌های پیش‌رانه‌ای و جنبشی آن، توجه فعالان سیاسی و اجتماعی را جلب می‌کرد.^۱ بخشی از توجه و اقدامات انقلابیون صدر مشروطه، مجلس اول و نیز فضای فکری و سیاسی جامعه به خواست‌های روستاییان معطوف می‌شد و از پشتوانه نیروی اجتماعی و جهت‌گیری‌های اجتماعی - اقتصادی آنان مایه و جهت می‌گرفت، از این رو، مسائل روستاها در روند انقلاب مشروطه جایگاه مهمی پیدا کرد؛ اما موقعیت تاریخی جامعه روستایی در آستانه انقلاب و سال‌های نخستین آن چگونه بود و روستاها با چه مشکلات و چالش‌های اجتماعی روبه‌رو بودند.

به‌طور معمول تحقیقات مربوط به موقعیت تاریخی روستاها در دوره موردنظر بر گزارش‌ها و مستندات کنشگران سیاسی و اجتماعی استوار بوده است. مستنداتی چون: رساله‌های انتقادی، گزارش‌های تاریخی، گزارش‌های رسمی (مانند صورت مذاکرات مجلس)، محتویات نشریات و خاطرات و اسناد (در سطح کم‌تر). از منظر مسئله‌شناسی تاریخی، برداشت‌های حاصل از گزارش‌های ذکرشده با نقدی جدی روبه‌روست. در هر یک نوع از منابع مزبور، دسته‌ای از مشکلات و چالش‌های جامعه روستایی گزارش شده است و بنا به معمول، محققان نیز برداشت‌های خود از چالش‌ها و مسائل مربوط را بر اساس بازنمایی‌های آن منابع استوار کرده‌اند. درواقع، روش شناسایی چالش‌ها و مسائل جامعه روستایی از مسیر رسانه‌هایی - که هر یک مواضع و ترجیحات خود را در بازتاب مسائل اجتماعی داشته‌اند - دچار نقص است و

مسائل جامعه روستایی ایران در آغاز سده ۱۴ق/ ۲۰م (نمونه محال ثلاث) ————— شهرام یوسفی فر

نارسایی‌های جدی در فهم واقعیت چالش‌ها و مسائل جامعه روستایی دارد.^۲ حال اگر رویکرد غالب در شناسایی چالش‌ها و مسائل اجتماعی روستاها تغییر داده شود و از شیوه «داده‌بنیاد» در شناسایی و مقوله‌بندی مسائل اجتماعی استفاده شود، تصویرهایی متفاوت از مسائل واقعی جامعه روستایی به دست می‌آید. به تعبیر دیگر، باید آنچه را که مردمان روستاها موقعیت نابهنجار، چالشی و مسئله‌مند می‌دانستند، شناسایی، کشف و مقوله‌بندی کرد؛ زیرا بین احساس مسئله‌وار بودن یک موقعیت اجتماعی از نظر کنشگران اجتماعی و مردم جامعه روستایی با آنچه کارگزاران و فعالان سیاسی - اجتماعی و رسانه‌های مربوط، فهم و برداشت می‌کردند، تفاوت‌هایی معنی‌دار وجود دارد. با این رویکرد متفاوت به مسئله‌شناسی تاریخی، کاوش در عرصه واقعیات جامعه روستایی در دوره مورد نظر ممکن می‌شود. نتایج این گونه مطالعات زوایای پنهان زندگی اقتصادی - اجتماعی جامعه روستایی در این دوره را آشکار می‌سازد.

با عنایت به نابسندگی داده‌های موجود در منابع معمول مطالعات تاریخی برای کشف مشکلات و مسائل جامعه روستایی، به ناگزیر بهره‌برداری از دیگر گونه‌های منابع که در این راستا اثربخش باشد، ضرورت دارد. در بررسی حاضر، اطلاعات و داده‌های موجود در مجموعه‌ای از اسناد حقوقی - اداری، دیوان عدالتیه در ولایت محال ثلاث و شقاقی، استفاده شد. این مجموعه شامل بایگانی یک سال (اول ۳ شعبان الی ذیحجه، ۱۳۲۵ق) گردش کار دیوان مزبور است. در این مجموعه، رخدادهای، مسائل و مشکلات اجتماعی روستاهای واقع در یک منطقه جغرافیایی، در طول یک سال، به صورت کامل، منظم و دقیق ثبت و ضبط شده است. بر این اساس، جامعه آماری لازم برای تحلیل موضوع از نظر زمان و محدوده مشخص جامعه کنشگران مورد بررسی، کفایت دارد. افزون بر این، ماهیت منابع این بررسی اطلاعات و داده‌ها را در باب موضوع در دسترس قرار می‌دهد که متفاوت از اطلاعات و بازنمایی چالش‌ها و مسائل اجتماعی روستایی در رسانه‌های دیگر و تفاسیر کارگزاران و فعالان زمانه است. در این پژوهش، ابتدا با روش کمی پیمایشی از مشکلات و مسائل روستاییان صورت گرفت و سپس با روش کیفی داده‌های موردنظر پردازش و مقوله‌بندی شد.

به دلایل مختلف، مطالعه تاریخ اجتماعی روستاهای ایران مد نظر محققان قرار نداشته است و ادبیات پژوهشی در باب روستاهای ایران خالی از رویکردهای تاریخی است.^۳ اندک شمار تحقیقات در باب مسائل روستایی و دهقانی ایران بر دوره مشروطیت و معاصر تمرکز دارد: لمبتون (۱۳۶۲)، آدمیت (۱۳۵۵، ۱۳۵۶)، سهراب یزدانی (۱۳۷۱) و ژانت آفاری (۱۳۸۵) بازتاب مسئله ارضی و دهقانی را در بستر انقلاب و مجلس اول شورای ملی و به استناد

صورت مذاکرات مجلس شورا، گزارش‌های ناظران، روزنامه‌ها و منابع تاریخی بررسی کرده‌اند. دیگر تحقیقات موجود نیز چنین عمل کرده‌اند. این تحقیقات در پی نوع‌شناسی و تحلیل چالش‌ها و مسائل واقعی جامعه روستایی نبوده و بیشتر از منظر موضوع مد نظر - جنبش دهقانی یا تحولات زمین‌داری - به موضوع روستا و روستاییان در دوره مورد نظر مؤلف، توجه نشان داده‌اند.

روش و رویکرد

روش بررسی موضوع، در تناسب با ماهیت منحصربه‌فرد منبع این تحقیق، چنین بود: نخست اطلاعات موجود در ۴۰۲ خلاصه سند مندرج در کتابچه گزارش احکام ولایت ثلاث (نگاه بخش بعدی) شناسایی و پردازش شد. سپس بر پایه محورهای به‌دست آمده، چالش‌ها و مسائل جامعه روستایی شناسایی و مقوله‌بندی شد. چون داده‌های مورد مطالعه مربوط به دوره - ای یک‌ساله و حوزه جغرافیایی مشخص بود، جامعه آماری مطلوب برای این تحقیق کفایت داشت. افزون بر آنکه جامعه روستایی از نظر جغرافیایی و اجتماعی همگونی‌هایی داشت؛ چون گزارش‌های حقوقی دقیق و بنا به روال اداری، غیرجانب‌دارانه تنظیم شده می‌شد، برای این تحقیق قابل اعتماد است. نحوه تنظیم گزارش‌ها، به روال اداری زمانه، خلاصه‌نویسی است و البته، دربردارنده حداقل جزئیات لازم برای فهم موضوع چالش یا مسئله است. از این رو، بنا به ویژگی‌های مجموعه اسناد مورد مطالعه و کفایت آن از نظر اعتبار داده‌ها و شاخصه‌های بسنده - گی آماری جامعه بررسی و تأیید شد. روش شناسایی مسائل اجتماعی چنین بود: ابتدا همه اسناد مطالعه و اطلاعات مربوط یادداشت‌برداری شد تا به استناد آن‌ها گستره چالش‌ها و مسائل اجتماعی شناسایی شود. بنا به هم‌زمانی تحلیل داده‌ها، روند کشف و تبیین مقوله‌های ضمنی داده‌ها در زمینه مورد بررسی فراهم شد. پس از شناسایی داده‌ها، روند کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها و به‌صورت هم‌زمان تحلیل کمی و کیفی داده‌ها صورت گرفت (محمدی، ۱۳۹۰: ۵۹ - ۱۳۰). درنهایت، کشف و مقوله‌بندی مسائل جامعه روستایی بر اساس رویکرد مسئله‌شناسی اجتماعی انجام و نتیجه به‌صورت سلسله‌مراتب مسائل اجتماعی روستاهای منطقه ثلاث در دوره مورد نظر تدوین شد.

دست‌آورد این تحقیق به‌دست دادن تبیینی از چالش‌ها و مسائل جامعه روستایی در منطقه ثلاث در طول یک سال (۱۳۲۵ق) است که بر اساس آن می‌باید حوزه‌های جدید مطالعه در مسائل تاریخی روستاهای ایران در اوایل سده ۱۴ هجری (۲۰ میلادی) را معرفی و عملیاتی

مسائل جامعه روستایی ایران در آغاز سده ۱۴ق/ ۲۰م (نمونه محال ثلاث) ————— شهرام یوسفی فر

کرد. همچنین، لازم است در مطالعات آتی با رعایت روش پژوهش این تحقیق، مطالعات تطبیقی با دیگر مناطق کشور صورت گیرد تا درنهایت، به تصویری جامع تر از مسائل اجتماعی روستاهای ایران در دوره مورد نظر دست یافت.

رویکرد: مسئله اجتماعی، یعنی بیشتر افراد جامعه می پذیرند وضعیتی خاص، کیفیت زندگی و ارزش های آن ها را تهدید می کند و باید آن را تغییر دهند (کرون، ۱۳۹۰: ۲۳، ۲۹۲؛ لوزیک، ۱۳۸۸: ۲۳ - ۲۵، ۳۷). شناخت و تحلیل مسئله اجتماعی، بیشتر با رویکردهای جامعه شناسی (فردگرایانه؛ کنش متقابل عوامل اجتماعی و ساختاری) (افشارکهن، ۱۳۹۰: ۳۰ - ۳۲) و کارگزاران اجتماعی (لوزیک، ۱۳۸۸: ۹ - ۱۱) بررسی شده است. مشکل/ چالش اجتماعی در پنج مرحله به مسئله (از ظهور تا بازسازی و خروج از موقعیت مسئله مندی) (افشارکهن، ۱۳۹۰: ۳۹ - ۴۰) تحول می یابد. در مواردی که خروج از موقعیت مسئله مند طی نشود، مسئله مزبور به تدریج بازسازی و در اشکال جدید و سازمان یافته تر ظاهر می شود. اگر جامعه آماده برخورد با مسئله جدید باشد، بدان توجه می کند و در غیر این صورت مسئله به حاشیه می رود و «شرایط مسئله ساز خود را در درون سامانه نظم جدید مستقر کرده و به عنوان عنصری مزاحم، اما قابل تحمل و ناگزیر یا واجد برخی کارکردهای مثبت» استمرار می یابد (همان، ۴۲ - ۴۳). مشکل اساسی آن است که مسئله اجتماعی در هر دوره تشخیص داده شود و این خودآگاهی عمیق به ساختار اجتماعی دوره مورد نظر نیاز دارد. فهم وضعیت کنونی نیز نیازمند شناسایی و تحلیل مسائل تاریخی جامعه ایران در دویست سال اخیر است. برای تشخیص و شناسایی مسائل اجتماعی باید از روش مناسب پیروی شود تا به دور از کج تابی های مرسوم، به کشف مسائل اجتماعی نائل شد (یوسفی فر، ۱۳۹۸ ب). در پژوهش حاضر، تصویر و تحلیلی از واقعیت چالش ها و مسائل اجتماعی جاری، آن گونه که مردم مناطق مزبور با آن ها مواجه بودند، ارائه می شود. بدیهی است این گونه برداشت و گزارش ها، با آن چه کارگزاران و رسانه های زمانه و تفسیرهای همراه آن، بدست می دهند، تفاوت هایی آشکار دارد.

مستند تحقیق

اساس تحقیق بر داده های مبتنی بر کتابچه گزارش عملکرد دیوان عدلیه در بخش روستاها استوار است که با عنوان دفتر ثبت احکامات حضرت والا شاهزاده عمادالسلطنه در حکومت شقاقی و بلوکات ثلاثه در سال ۱۳۸۹ منتشر شد. در این کتابچه ۴۰۲ خلاصه گردش کار دعاوی که در دیوان عدلیه مطرح شده، آمده است. ارکان اسناد مزبور چنین است: ذکر نام

مأمور اجرای حکم، خلاصه حکم و گزارش ختم عمل. این دفتر، منحصرأً گردش کار اجرای احکام در روستاهای ولایت مزبور را شامل می‌شود. به نظر، دفاتر دیگری برای درج گزارش‌های مشابه در حوزه شهری و ایل شقاقی وجود داشته است. اعتبار گزارش‌های موجود، به آن بود که چون اسناد حقوقی با دقت بسیار نگارش می‌یافت، از تفسیرها و تأثیرپذیری‌های رایج در گزارش رخدادها و موضوعات به دور است.

گزارش‌های دفتر به‌طور سالانه از سوی مقام مربوط در حکومت ولایت تنظیم و برای مقام ذیربط در سازمان عدلیه ایالت (دیوان بیگی) ارسال می‌شد. علل این‌گونه گزارش‌دهی به مرکز، در دستورالعمل‌های ابلاغی دیوان عدلیه بیان شده است (ر.ک: بخش بعدی). دو گونه گزارش در این دفتر از نظر رسیدگی و ختم دعاوی وجود دارد: نخست، دعاوی در جریان که تا هنگام تنظیم گزارش عمل آن ختم نشده است و محل مربوط به گزارش نتیجه موضوع خالی گذاشته شده بود؛ دوم، رسیدگی‌هایی که ختم و حکم مربوط و اجرا و در بخش مربوط به نتیجه درج شده است. محال ثلاث در دوره قاجار شامل بلوکات گرمرو، میانه، سراب و نیز جماعت ایل شقاقی که در این محال حضور داشتند بود.

مرجع رسمی رسیدگی به چالش‌ها و مسائل اجتماعی: دیوان عدلیه

نظر به اینکه کتابچه مستند این پژوهش یک بخش از بایگانی دیوان عرف در ولایت ثلاث است، از این رو، ضروری است معرفی اجمالی از ساختار و عملکرد دیوان عدلیه و نیز شعبات ایالت آن صورت گیرد تا ماهیت اطلاعات مندرج در این کتابچه بهتر تبیین شود. نظر به اینکه دیوان عدلیه در فرایند رسیدگی و تعیین تکلیف مسائل اجتماعی، رفع خصومات و برقراری انتظامات اجتماعی نقشی اساسی ایفا می‌کرد، اطلاعات موجود در دفتر حاضر، از نظر اشمال بر گستره چالش‌ها و مسائل اجتماعی منطقه مورد نظر، بی‌همتاست. در کنار دیوان عدلیه - که بر بنیادهای عرف این گونه امور را ساماندهی می‌کرد - محاکم شرع قرار داشتند که بخش دیگری از چالش‌ها و مسائل اجتماعی را رسیدگی و حل و فصل می‌کردند. در محکمه شرع دعاوی مدنی (ازدواج، طلاق، و نسب)، رسیدگی به برخی جرائم و تعیین میزان دیه و ارش، فصل خصومت، امور حسبی (تعیین وراثت، تحریر ترکه، تنظیم و تنفیذ وصیت، تعیین قیم، ازدواج و طلاق، امور کسب و کار، امور معاملات، عبادات، قسامه) (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۳: ۸۸ - ۸۹؛ kondo, 2017: 38 - 44) رسیدگی می‌شد. در دیوان عدلیه به امور حقوقی و قضائی رسیدگی می‌شد: عمدتاً دعاوی کیفری، دعاوی مردم بر دولت و دعاوی مدنی، احداث اربعه

مسائل جامعه روستایی ایران در آغاز سده ۱۴ق/ ۲۰م (نمونه محال ثلاث) ————— شهرام یوسفی فر

(قتل، ازاله بکارت، کور کردن چشم و شکستن دندان) و تحرکات علیه امنیت عمومی و موارد مشابه (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۳: ۸۸ - ۸۹، ۲۲؛ ۴۴۳ - ۳۸؛ kondo, 2017: 38). مقامات دیوان عدالت در مرکز چنین بودند: صدر دیوان، امیر دیوان، امیر نجبا، امیرلشکر مستوفی دیوان، ناظم عدالت، منشی‌باشی (فلور و بنانی، ۱۳۸۸: ۳۴). از دوره امیرکبیر تا انقلاب مشروطه اقدامات بسیاری برای نوسازی نظام حقوقی، ساختار و عملکرد عدلیه، انجام شد (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۰۸ - ۳۱۶) تا هر چه بیشتر با ساختار، آموزه‌ها و عملکردهای نهادهای مشابه در ملل مترقیه (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۲۷ - ۱۵۸) انطباق پیدا کند. تشکیلات عدلیه در سال ۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۱م شش مجلس داشت: مجلس تحقیق دعاوی، مجلس قوانین، مجلس جنایات، مجلس اجرا (وقایع عدلیه، ش ۱، سلخ ذی‌حجه ۱۲۸۷ق: ۲ - ۳)، مجلس تجارت و مجلس املاک (همان، س ۲، ش ۲، محرم‌الحرام ۱۲۸۸ق: ۱) بود. این ساختار با تغییراتی در سازمان درونی آن (مانند تعداد محاکم) تا مشروطیت پابرجا بود (ر.ک: فلور و بنانی، ۱۳۸۸: ۷۹، ۴۶ - ۴۷؛ طیبی، ۱۳۸۸: ۳۷۶ - ۳۷۷)^۴ و درنهایت، با تصویب نظام‌نامه عدلیه ترتیبات جدیدی برپا شد (همان، ۱۳۸۸: ۴۹).

ساختار و گردش کار دیوان عدلیه در ولایات

ساختار و عملکرد دیوان عدلیه و محاکم شرع در ایالات و ولایات کشور تا اواخر دوران قاجار به روال کهن بود. حکام مناطق اوقاتی را به دادرسی (طیبی، ۱۳۸۸: ۳۰۱ - ۳۰۳) اختصاص می‌دادند و چالش‌ها و مسائل مطرح در حوزه حکمرانی خود را رسیدگی و حل و فصل می‌کردند. البته، دیوان عدلیه که در مرکز سامان درستی نداشت، در ولایات نابسامان‌تر بود (همان، ۱۹۵، ۲۴۷ - ۲۵۰). در جریان اصلاحات حقوقی و قضائی (نیمه دوم قرن ۱۳ هجری به بعد) تلاش بر آن بود که ساختار مطلوب عدلیه در مرکز و ولایات استقرار یابد. برای مثال، تصویب و ابلاغ دستورالعمل وظایف و اختیارات دیوان بیگیان (۱۲۷۵ق) در این راستا موقعیت خاصی داشت. در فرمان ابلاغ این دستورالعمل بر تأسیس دیوان‌خانه عدلیه در ممالک محروسه تأکید شد. دستورالعمل حاوی سی ماده در طرز عمل دیوان بیگیان بود: نحوه تعامل با حاکم و دیوان شرع، رویه‌های قضائی در امور ملکی و مالی، ثبت اسناد، حدود اختیارات قضائی دیوان بیگی، نحوه گزارش منظم عملکرد به مرکز، اجرای احکام عرفی و شرعی صادره از دیوان مرکز، مناصب دیوان‌خانه و صلاحیت‌های مستخدمان.

یک وظیفه مهم دیوان بیگی، ثبت روزانه دعاوی و احکام صادره در دیوان‌خانه، در دفتر معتبر بود که باید ثبت کل هر سال به دیوان‌خانه عدلیه اعظم ارسال می‌شد (ماده ۱۳). همچنین، تمام مأمورانی که برای احقاق حق اعزام می‌شدند نباید بیش از ده یک مطالبه می‌کردند (ماده ۱۶) (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۲۷۵ق: نمره ۴۰۷، ۲ - ۴). در فرمان مربوط به دیوان مظالم (۱۲۷۷ق) تأکید شد عرایض ولایات باید به ضابط چاپارخانه (ناظر نامه‌رسان) تحویل و در کیف مخصوص به شاه تسلیم شود (فلور و بنانی، ۱۳۸۸: ۴۰). موضوع مکاتبه مستقیم عارضان ولایات با شاه، باز در فرمان ۱۲۸۱ق تأکید و مقرر شد، وزارت عدلیه فردی را به ولایات ارسال کند تا ناظر احکام آن وزارتخانه باشد و گزارش اتمام عمل را به مرکز ارسال نماید. ذی‌نفعان باید گزارش هرگونه تعلل در اجرای احکام وزارت عدلیه را به صندوق عدالت می‌انداختند (فلور و بنانی، ۱۳۸۸: ۴۱ - ۴۲). این امور به گردش کار در دیوان عدلیه ولایات ربط مستقیم داشت.

کتابچه دستورالعمل دیوان‌خانه عدلیه اعظم (۱۲۷۹ق) که بار دیگر با هدف ساماندهی روابط دیوان عدلیه مرکز با حکام ممالک محروسه (فصل ۲ شق ۲ ثانی) ابلاغ شد، روشن ساخت، سازوکارهای ابلاغی قبل برای اجرای عدالت در ولایات، در محاق بود. با آنکه تأکید شد: «لازم است مانند درالخلافة در هر ولایت دیوان‌خانه‌ای از جانب دیوان عدلیه اعظم برای اتمام دعاوی مردم استقرار یابد و روزنامه کل به دیوان مرکز ارسال شود» (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۲۲ جمادی‌الثانیه ۱۲۷۹: نمره ۵۳۶، ۶). به‌زودی حکام با این رویه مخالفت کردند و از این رو، مقرر شد، از دیوان مرکز به هر ولایت یک نفر گزیده، اعزام شود تا ناظر اجرای احکام صادره از دیوان و گزارش‌دهنده اجرای حکم باشد. چنانچه حاکمی در اجرای احکام تعلل کرد، آن‌گاه نماینده مستقیم دیوان عدلیه اعزام شود. یک وظیفه مهم این فرد تهیه و ارسال روزنامه‌چۀ دو هفتگی به مرکز بود (همان، ۶). جزئیات وظایف و روابط ناظر و نماینده دیوان عدلیه مرکز در ولایات با حاکم و محاکم شرع، در دستورالعمل ذکر شده تشریح شده بود. با آنکه مدلول فرمان‌ها و شیوه‌نامه‌های ابلاغ‌شده تأکید داشت دیوان عدلیه اعظم و وزارت عدلیه، در ایالات و ولایات باید شعبه داشته باشد تا فرایند دادرسی و قضا در نظارت مستقیم دیوان و وزارت عدلیه درآید؛ اما اجرای این سیاست در عمل با موانع متعدد روبه‌رو بود.

با این اوصاف الگوی دادرسی و حل‌وفصل منازعات اجتماعی در نهاد قضائی ولایات چنین بود: در کرسی ایالت و ولایت طبق رویه ابلاغ‌شده عمل و محاکم عرف و شرع، با الگوهای مقرر با نظر دیوان بیگی عمل می‌کردند. در استقرارگاه‌های روستایی، بزرگ‌مالکان،

مسائل جامعه روستایی ایران در آغاز سده ۱۴ق/ ۲۰م (نمونه محال ثلاث) ————— شهرام یوسفی فر

تیولداران و نمایندگان آنان مانند کدخداها و گاه مباشران، در امور عرفی و ملاها در امور شرعی در قرا و دیه‌ها به مرافعات معمول مردم رسیدگی و چالش‌ها و مسائل را حل و فصل می‌کردند. به نظر می‌رسد در این سلسله‌مراتب مدیریت جوامع روستایی نقش مؤثری در این زمینه ایفا کرده است و به سرعت و رعایت منافع طرفین، امور رسیدگی و فیصله می‌یافت و معمولاً کار به مراجع بالاتر نمی‌کشید. بین ایلات نیز سلسله‌مراتبی از رؤسای خانواده‌ها، ریش-سفیدان و خوانین و در نهایت، رؤسای ایل چالش‌ها و مسائل را طی روندهای معمول دادرسی، رسیدگی و تصمیم‌گیری می‌کردند. به نظر می‌رسد شمار معدودی از مشکلات به محاکم خارج از جامعه ایلی ارجاع می‌شد؛ اما به دلیل آنکه صلاحیت‌های قضائی سلسله‌مراتب ریاستی در روستاها و قریه‌ها یا ایلات محدود بود، رسیدگی به برخی امور مهم‌تر و پیچیده باید در مراجع رسمی و تحت نظر حاکم یا نایب‌الحکومه یا عالمان دین در شهرها رسیدگی می‌شد. دعای با ماهیت شرعی به محکمه شرع ارجاع و نتیجه دادرسی برای اجرا به دیوان ارسال می‌شد. بنا به دلایلی رویه‌های دادرسی در محاکم شرع و عرف در سطح یک ولایت و حتی با دیگر نواحی تفاوت‌هایی داشت و این امر مشکلات بسیاری را به وجود آورد. تلاش‌های حکومت مرکزی برای ساماندهی ساختار حقوقی و رویه‌های قضائی و دادرسی در ولایات با موانع جدی روبه‌رو بود.

تأمین هزینه‌های دادرسی در دیوان‌خانه چنین بود: پس از ختم دعوی و بنا به ماهیت دعوی، باید دهیک (به نام دهیک حکومتی) پرداخت می‌شد تا حق الزحمه مأموران حکومت که بابت این گونه خدمات مقرری دریافت نمی‌کردند، تأمین شود (طیّبی، ۱۳۸۸: ۲۴۶-۲۴۷). هر مأمور که برای اجرای حکم یا احقاق حق به روستا اعزام می‌شد، مبلغ دهیک را از شاکی دریافت و در بازگشت به مقر دیوان دریافت مبلغ را اعلام می‌کرد. گاه به دلیل نبود فرد در محل، انجام نشدن مأموریت یا فقر شاکی، مبلغ دهیک یا «خدمتانه» دریافت نمی‌شد (دفتر ثبت، نمره ۶۶). در مواردی که مأمور به دلیل تغییر موضوع مأموریت باید بدون اقدام باز می‌گشت، حق دریافت خدمتانه را نداشت (دفتر ثبت، نمره ۱۷۵).

دفتر حاضر ۴۰۲ مورد گردش کار دعاوی روستاییان در محضر عمادالسلطنه، حاکم ولایت ثلاث را دربر دارد. بدیهی است که شماری از دعاوی و چالش‌هایی که در سطوح پایین‌تر دادرسی و حل و فصل شده بود، در این آمار رسمی منعکس نیست. محل دیوان‌خانه عدالت در قصبه سراب (دفتر ثبت، نمره ۳۱)، مقر حکومت عمادالسلطنه بود. فرایند دادرسی و اجرای احکام در دیوان‌خانه مزبور، بر اساس اطلاعات این دفتر چنین بود: احکام صادره چند منشأ

داشت: وزارت عدلیه، دیوان عدلیه ایالت آذربایجان، احکام حاکم آذربایجان (دفتر ثبت، نمره ۲۰۷، ۲۷۴، ۲۷۵)، احکام عمادالسلطنه (دفتر ثبت، نمره ۲۰۸)، احکام محضر شرع ولایت (دفتر ثبت، نمره ۲۱۲، ۲۷۷) و احکام دیوان ولایت. معمولاً منشأ احکام فرادست با درج تعبیری چون حضور مبارک یا دستخط مرحمت فرموده یا «چنانچه خودم حضوراً به ... قدغن کردم» (برای عمادالسلطنه) (دفتر ثبت، نمره ۱۰۰) مشخص است.

پس از اینکه در دیوان‌خانه موضوع رسیدگی و حکم صادر می‌شد، مأموری تعیین و با ثبت‌نام و لقب وی برای اجرای حکم به روستا اعزام می‌شد. چنانچه مقرر می‌شد وی فرد دیگری را به‌جای خود بفرستد، مشخص و باید مشخصات وی در بخش ثبت حکم درج می‌شد. در این مورد تصریح می‌شد «حکم به مأموریت میرزا سیدمحمدعلی است، او علی‌بیگ را فرستاده است» (دفتر ثبت، نمره ۵۶). در مواردی که روستاهای مقصد در یک مسیر بود، اجرای احکام مربوط به یک مأمور محول می‌شد (دفتر ثبت، نمره ۱۱۲، ۲۸۱). در این موارد شرح دو حکم در یک گزارش می‌آمد (دفتر ثبت، نمره ۱۸۶، ۱۹۶). در معدود مواردی که اجرای چند حکم در یک روستا بود، شرح همه موارد در یک حکم درج می‌شد (دفتر ثبت، نمره ۷۱، ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۸۲). اعزام مأمور دیوان به روستاها گاه برای انجام تحقیقات محلی و تکمیل مستندات روند دادرسی بود. در این موارد در شرح حکم وی چنین درج می‌شد که فرد «با اطلاع حاجی آقاخان نایب‌الحکومه در فقرات مسطور رسیده‌گی نماید» (دفتر ثبت، نمره ۸۵، ۹۱، ۹۷).

نظم اداری عدلیه و اجرای احکام مربوط در روستاها، چنانچه از اطلاعات «دفتر» حاضر بر می‌آید، چنین بود. حال بر سر بحث بعدی که شناسایی و مقوله‌بندی چالش‌ها و مسائل اجتماعی روستاهاست، می‌رویم.

چالش‌ها و مسائل اجتماعی روستاهای محال ثلاث

چالش‌ها و مسائل اجتماعی روستاهای مورد نظر، در قالب مقوله‌هایی که از تحلیل کمی و کیفی، داده‌های مربوط به‌دست آمده است، به ترتیب اولویت ارائه می‌شود. اولویت‌های مد نظر اول، شمار تکرار هر مقوله از چالش‌ها در طول یک سال و در مرتبه دوم، اهمیت مقوله در جامعه مورد نظر است. با عنایت به اینکه دسته‌بندی مسائل اجتماعی، بنا به پیچیدگی بسیار این پدیده‌ها بسیار دشوار است، به چند شکل می‌توان عمل کرد: نخست، از منظر مسئله‌شناسی اجتماعی که چنین تصویری به‌دست می‌آید:

مسائل جامعه روستایی ایران در آغاز سده ۱۴ق/ ۲۰م (نمونه محال ثلاث) ————— شهرام یوسفی فر

الف. مسائل اقتصادی، شامل دعوی مالی، سرقت اموال، مالیات ستانی، وارد کردن خسارت به اموال و دعوای ارث.

ب. مسائل اجتماعی، شامل مشاجرات و کتک کاری، مشاجرات مالک و رعیت، دعوای زن و شوهر، قتل، روسپی گری، تجاوز جنسی و لواط.

ج. مسائل حقوقی - قضائی: دعوی ملکی، مشکلات دیوانیان، موضوع ارث، احضار افراد برای رسیدگی، ادعای کذب، جعل سند و چالش های دادرسی.

و دوم. بر اساس شاخص های کیفی و کمی که به دلیل فواید این روش، بررسی مسائل را مبتنی بر این شیوه انجام دادیم. مسائل اجتماعی بر اساس فراوانی و ماهیت موضوع چنین بودند:

چالش های مالی

از مجموع چالش های شناسایی شده در اسناد، ۱۵۱ مورد به اختلافات مالی مربوط است. منظور از اختلافات مالی چالش هایی بود که در اثر انواع معاملات بین افراد رخ می داد. بخشی از این چالش ها به عدم تسویه مالی معاملات بازمی گشت: پرداختن مبلغ معامله (۳)، عدم تادیقه قرض پول (۲۳، ۲۴، ۶۵) یا وجه اجاره قریه (۴۱، ۴۵) یا منزل (۲۹۲) یا طاحونه (۳۲۶)، ندادن بهره اربابی (نک: بخش بعد)، طلب اجرت (۱۲۲) یا حق المرتع (۳۰۰)، طلب مخارج ایام حمل و اجرت مربوط (۲۳۳)، مهریه (۳۶۸) و عدم تحقق شروط مالی بیع شرط (نک: معاملات ملکی). عدم امکان حل این گونه اختلافات در محاسبات، گاه به خشونت و گروگیری کشیده می شد: مانع شدن از درویدن کشت (۱۵)، بردن محصول فرد یا حتی یک قریه (۲۱، ۲۳، ۹۲) و ضبط چهارپا، ابزارآلات و نظایر این ها. گاه برخی اقلام (محصول، چارپا و غیره) گرو گرفته می شد (۱۹، ۱۵۱، ۲۰۲، ۲۵۶) یا ملک وی ضبط (۱۸۴) یا مانع کار (آسیاب) بدهکار می شدند (۲۸۳) تا اختلاف حساب تسویه شود. گاه در این درگیری ها ضرب و شتم (۲۵، ۲۰۵) و کتک کاری و ایراد خسارت (۵۳، ۶۳) نیز واقع می شد.

در این گونه موارد پس از طرح شکایت، مأمور دیوان اعزام می شد تا به یکی از این طرق عمل کند: طبق حکم اقام را گرفته، رد کند (۹۴، ۳۴۰) یا موضوع را بررسی و فیصله دهد (۱۰۲، ۱۶۱) یا چنانچه دعوی شرعی داشتند آنان را به سراب (۱۳۳) احضار کند. وی در تعامل با ریش سفیدان شماری از موارد را به روش های گوناگون در محل ختم و از طرفین ترضیه نامیچه (۱۸) می گرفت. در برخی از موارد قرار قرض پول تمدید (۱۱۴، ۲۵۷) یا اموال گرو

گرفته‌شده را تقویم و به‌جای طلب محاسبه (۱۱۷، ۳۰۰) یا به‌دلیل افلاس بدهکار (۷۵، ۱۱۵، ۲۹۱، ۳۱۱، ۳۲۰) قرار برگشت طلبکار گذاشته می‌شد. گاه بدهکار فرار کرده بود (۸۱، ۸۹، ۱۲۳، ۲۵۸). برخی از موارد نیز ادعای بی‌اصل بود (۱۸۷، ۲۴۴، ۲۷۸).

سرقت اموال

گزارش‌های هفتاد مورد سرقت در روستاها، در چنین مقوله‌هایی قرار می‌گیرند: سرقت چارپایان (۱، ۱۱، ۱۲، ۲۰، ۴۸، ۶۰، ۹۶، ۱۰۳، ۱۹۴)، تفنگ (۱۱)؛ سرقت یا ضبط محصولات که گاه با ایراد خسارت هم توأم بود (۱۱، ۱۶، ۲۱، ۸۵، ۱۵۸، ۱۶۳، ۲۰۸)، لخت کردن افراد در راه‌ها (۲۰، ۵۰، ۹۰)، زورستانی اموال (۴۰، ۹۱، ۱۱۸)، سرقت لوازم تلگرافخانه (۱۰۱) و یا دکان بقالی (۲۰۱). چون اهالی یک روستا بر سر فردی در روستای دیگر می‌ریختند و اموالش را غارت می‌کردند، باید ریش‌سفیدان آنان در محضر حکومت جواب می‌دادند (۲۱۷). اعضای برخی طوایف نیز دائم از روستاها دزدی می‌کردند (۲۲۴، ۲۲۸، ۲۷۴). بردن اموال گاه برای فشار بر بدهکار یا در ازای طلب (۴۸، ۱۷۴، ۲۲۰) بود. در مواردی که نام سارق ذکر شده است، نشان از اختلافات مالی بین افراد دارد که مأمور موظف بود اموال را رد کند و اختلاف بین آن‌ها نیز به محضر شرع ارجاع دهد (۷۰، ۲۰۴، ۲۶۵).

در این موارد مأمور یا باید احکام صادره برای دستگیری یا تنبیه مجرم (۳۶۶) یا رد مال را اجرا یا به طرق مختلف، موضوع را در محل تحقیق کند و متهمان و حامیان آنان (۳۸۲) را احضار یا دستگیر کند. پس از کشف اموال سرقتی، به صاحب آن عودت (۲۰۷، ۲۷۹، ۳۱۰)، در غیر این صورت غرامت گرفته می‌شد (۱۷۲). بنا به دشواری فروش یا مخفی کردن اموال دزدی، بازپس‌گیری اموال به رسیدگی دقیق نیاز داشت (۳۱۳). گاه به‌دلیل افلاس متهم (۳۴۵) یا پادرمیانی شیوخ، مصالحه می‌شد. اگر سارق نشانی نداشت، کدخدا و ریش‌سفیدان محل در برابر حکومت مسئول بودند (۱۰۵، ۲۱۷، ۲۴۲، ۲۴۳، ۳۵۲) و اگر هویت دزد روشن بود، ریش‌سفیدان محل باید ضمانت اموال را می‌کردند (۲۰۰). درمورد آدم وابسته به رجال مأمور باید در هماهنگی با آنان اقدام می‌کرد (۲۰۳، ۲۰۴، ۳۱۰). شمار زیادی از این گونه امور پس از اثبات جرم متهم، به طرق مختلف مصالحه می‌شد.

نزاع و کتک‌کاری

شخص مورد گزارش مربوط به کتک‌کاری است. علل وقوع همه موارد روشن نیست. بنا به ماهیت دعاوی چنین مقوله‌هایی شناسایی شد: برخی کتک‌کاری‌ها ریشه در اختلافات

مسائل جامعه روستایی ایران در آغاز سده ۱۴ق/ ۲۰م (نمونه محال ثلاث) ————— شهرام یوسفی فر

خانوادگی (۱۵، ۱۲۳، ۱۵۴، ۳۰۹، ۳۸۹)، ملکی (۳۵۵)، مطالبات مالی (۷، ۱۶، ۲۵، ۵۲، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۲، ۲۰۵)، مانند ارث (۱۸۸) یا مهریه (۵۶) داشت و به درگیری خانوادگی (۲۴، ۲۸، ۴۱، ۶۲) توأم با جرح منجر و باید دیه تعیین می‌شد (۲۲، ۶۰، ۶۳، ۸۵، ۸۶، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۷۸، ۱۸۲، ۲۰۵). اگر در این بین اموال بدهکار به‌زور تصاحب شده بود، مأمور باید آن را برمی‌گرداند (۲۵، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۲۸). دزدی (۱۶۲)، غارت محصولات و کتک زدن افراد (۱۳)، ۸۵، ۹۶، ۱۰۸، ۱۴۶ نیز دلیل دیگر بود. در همه موارد دلیل کتک‌کاری ذکر نشده است (۳۵، ۴۷) و از این رو، مأمور باید برای تحقیق و احضار متهم به سراب، اعزام می‌شد تا رسیدگی شود. برخی از موارد با مصالحه افراد در باب دیه و قرار تسویه بدهی و غیره، در محل ختم می‌شد.

به‌نظر می‌رسد بیشتر اختلافات مالی به تعارضات منافع افراد در امر مالکیت، روابط کار، تقسیم محصول و نیز شرارت و غصب دسترنج روستاییان برمی‌گشت. تعداد نزاع‌های دسته‌جمعی به‌نسبت زیاد بود و معمولاً پای اعضای خانواده‌هایشان به‌میان می‌آمد.

نزاع مالک و رعیت

۴۲ مورد گزارش مربوط به شکایت اربابان از رعایایشان در این مقوله قرار می‌گیرد: سر باز زدن از پرداخت بهره مالکانه، مالیات دیوانی و محاسبات جاری پس از برداشت محصول (۲، ۱۱۶، ۳۰۱) یا اجاره مؤسسات اربابی (۳۲۶). برخی پرداخت‌ها بیش از یک سال (۳۸، ۵۱، ۱۴۲، ۲۱۰، ۳۱۴) انجام نشده بود. گاه مالک، محصول را ضبط (۲۲، ۲۲، ۲۰۸) یا مانع برداشت آن (۱۷۵) می‌شدند.

در این موارد مأمور برای بررسی به محل اعزام می‌شد تا در صورت صحت شکایت (۳۷۶) و احراز مالکیت و حق مالک (۱۱۶، ۱۳۴، ۱۴۲، ۳۰۲)، خسارات و مطالبات را ارزیابی و اخذ، به مباشر مالک رد کند (۳۸، ۸۸، ۱۱۶). اگر رعایا و کدخدا ادعایی داشتند همراه مالک، به سراب احضار می‌شدند تا به‌طور عرفی یا شرعی به دعاوی آن‌ها رسیدگی شود (۲، ۵۱، ۲۹۰). بنا به روال برخی از این اختلافات نیز در محل و با وساطت ریش‌سفیدان حل و فصل می‌شد (۳۸، ۱۳۴) یا قرار جدیدی برای پرداخت گذاشته می‌شد (۷۲، ۳۴۳).

شماری از این چالش‌ها به خودسری مباشران در اخذ عوارض (۶۱، ۱۰۶) و نحوه تسهیم محصول (۲۱۱) مربوط بود. مالک در محل (۱۳۴)، اختلاف حساب قبلی (۲۱۰) مربوط بود. همچنین، فضای سال‌های پس از مشروطیت که سبب شده بود رعایا بهانه‌ای برای عدم

پرداخت بهره مالکانه و برخی عوارض (خرمن چلق چهل‌ویک) به‌دست آورند، در این چالش‌ها مؤثر بود (۱۱۶، ۱۴۹، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۹۶) و در این مورد رعایا شاکی بودند (۱۸۹). حکومت تأکید به پرداخت حقوق اربابی و دیوانی و لغو عوارض (۶۱، ۱۹۳) داشت؛ اما رفع این‌گونه بحران‌های مربوط به روابط مالک و زارع خارج از توان حکومت ثلاث بود.

چالش‌های مالکیت

۲۵ مورد از گزارش‌ها به این چالش ربط دارد. اولین چالش به تصرف ملک (باغ، زمین، درخت‌زار، عمارت، ...) (۳۹، ۴۳، ۴۴، ۱۰۴، ۱۴۸، ۱۹۱، ۲۳۴، ۲۷۷، ۳۴۶، ۳۴۹، ۴۰۲) مربوط بود. در مراتب بعد چالش‌ها به خودداری مالک از تسلیم ملک به خریدار (۲۹)؛ درخواست افراز ملک مشاع (۷۸، ۳۴۸)؛ اختلاف در مورد سهم مشاعات مستغلات (۹۳) و اختلاف در مورد سهم مالکان و چگونگی تقسیم محصول (۱۰۰، ۳۸۳) بازمی‌گشت. رویه بیع شرط یک معضل جدی ایجاد کرده بود؛ زیرا چون بیع لازم می‌شد باید ملک رفع تصرف و به خریدار تحویل می‌شد، امری که با مشکلاتی پیچیده، چون لزوم محاسبه اجور سنواتی، افراز سهم مورد نظر و نحوه محاسبه و تسهیم محصول روبه‌رو بود (۳۱، ۳۵۷). گاه چون مبیع بارها معامله شده بود، مالک اصلی با روستاییان دچار مشکل می‌شد (۹۲، ۳۲۴).

در این موارد مأمور دیوان باید موارد مبهم را تحقیق (۳۳۱) و گزارش دهد. بنا به معمول شماری از موارد مصالحه می‌شد (۴۴، ۱۰۴، ۳۴۰) و برخی موارد نیز ادعای لغو بود (۱۴۸، ۱۹۱، ۲۶۱). چنانچه درگیری رخ داده بود باید خطاکاران مشخص (۳۸۳) و فرد خاطی التزام عدم تکرار عمل می‌داد (۲۳۴). مواردی باید از ملک یا عین جنس رفع تصرف و به مالک تسلیم می‌شد (۲۹، ۳۹، ۹۵، ۱۲۸، ۱۳۰، ۲۶۸). در این گونه موارد باید تسویه مالی ایام گذشته صورت می‌پذیرفت (۲۵۴). اختلافات به دیوان یا محضر شرع ارجاع می‌شد (۳۹، ۴۰، ۲۳۲، ۲۷۷). گاه تا هنگام روشن شدن سهم هر مالک، محصول توقیف می‌شد (۱۰۰). چالش مربوط به افراز املاک مشاع نیز بنا به روال فیصله می‌یافت (۱۶۹، ۳۴۸).

در موارد بیع شرط مأمور باید محاسبات ملکی و مالی مربوط را انجام، مبیع را به خریدار تسلیم می‌کرد (۳۷۰) و در صورت لزوم تا هنگام روشن شدن محاسبات مزبور محصول را توقیف (۳۱) کند. تشخیص مالک اصلی از بین خریداران مکرر ملک و تسویه مالی بین مالکان و زارعان (۹۲، ۳۲۴) و رفع تعارضات مالکیت (۳۳۸) بر اساس روال‌های عرفی یا شرعی می‌گذشت.

نزاع‌های خانوادگی

درگیری‌های خانوادگی (زن و شوهر) از آن دست چالش‌های اجتماعی بود که به‌طور معمول در سلسله‌مراتب و مراجع اجتماعی درون روستاها حل و فصل می‌شد؛ اما ۲۵ مورد دعوی طرح‌شده در دیوان ولایت وجود دارد که مقولات آن چنین است: ناسازگاری زوجین: کتک‌کاری زن؛ ایراد جرح و ندادن دیه و بیرون کردن از خانه (۱۸۲، ۲۴۰، ۲۹۸، ۳۸۸)؛ دعوی بر سر نفقه: اخراج زن از منزل و ندادن نفقه، کسوه (۲۹۸، ۳۵۴، ۳۶۰، ۳۸۸)؛ دعوی زن صیغه‌ای بر مخارج حمل و اجرت ایام بارداری (۲۳۳) و طلب مهریه از شوهر سابق، ورثه وی یا طلب ماترک شوهر (۶، ۳۳، ۵۶، ۵۷، ۱۲۱، ۲۱۲، ۲۹۸، ۳۱۶، ۳۶۸، ۳۷۳). شماری از نزاع‌ها به‌دلیل ربودن زن از سوی شوی یا دوستار زن بود: ادعای ربودن زن معقوده از سوی مرد دوستار وی (۱۰۷، ۲۳۷، ۳۹۲) یا بردن اجباری زن (۳۹۲). گاه نزاع بر سر طلب مخارج از نامزد قبلی (۸۳، ۱۱۰) بود. در اندک اطلاعات موجود مهاجرت کار مردان به قفقازیه، فقر، طلاق و اختلافات مالی مهم‌ترین علل نزاع‌های خانوادگی بود. در همه موارد مأمور حکومت اعزام می‌شد تا برای رسیدگی احضار شوند. البته، در بیشتر موارد با مصالحه طرفین فیصله می‌یافت.

مشکلات دیوانیان در روستاها

مأموران دیوانی در روستاها با مشکلاتی برای ایفای وظایف خود روبه‌رو بودند که در ۲۱ مورد گزارش این مقوله‌ها قابل تشخیص است: گاه رعایا و متنفذان محل از مأمور اطاعت نمی‌کردند (۹۷، ۱۵۶، ۲۱۶، ۲۶۰، ۳۳۳). گاه مأمور اعزامی کفایت لازم برای انجام کار را نداشت (۱۴۰) یا با مباشر مماشات کرده یا زیاد از حد لازم در روستا می‌ماند (۲۴۱). متنفذان محل معمولاً مانع از طرح شکایت رعایا و یا ایفای مأموریت می‌شدند (۱۰۹، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۱۶). برخی از مشکلات مأموران به موضوعی دیگر مربوط بود: گاه روستاییان از پرداخت هزینه مقرر مأموریت دیوانیان سرباز می‌زدند (۸، ۷۴)؛ عوارض را نمی‌دادند و از مأموران پذیرایی نمی‌کردند (۹۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۶)؛ سواران تعیین‌شده برای خدمت را اعزام نمی‌کردند (۲۶۷) و در گردآوری مالیات‌ها و ایفای تعهدات خود با دیوان (۳۶۹، ۳۷۴) همکاری نداشتند. در این موارد به‌ناگزیر مأمور دیگری (۲۰۴) با رده بالاتر اعزام می‌شد (۲۶۰). در این دوره، مجلس شورای ملی، انجمن تبریز (۴۵، ۶۱) اختلال‌هایی در کار دیوانیان در روستاها ایجاد کرده بود.

چالش‌های مالیات‌ستانی

نوزده مورد گزارش به مقوله‌هایی چون: دشواری اخذ مالیات دیوان مربوط بود که از شایعه‌های دال بر لغو مالیات (۲۹۹)، لغو تیول، عوارض، رسوم اربابی و برخی موارد نظیر آن

ناشی می‌شد. در شناسایی و تفکیک مقولات مربوط به این موضوع، بنا به هم‌پوشانی امور اخذ مالیات‌ها، بهره و رسوم اربابی مشکلاتی بروز می‌کرد. مالکان به بهانه عدم دریافت سهم مالیات دیوان از سوی رعیت (۳۳۵)، از پرداخت مالیات طفره می‌رفتند. گردآوری مالیات ایلات به یک فرد واگذار و او با کدخدایان عمل می‌کرد (۴). در روستاها کدخدایان مالیات‌ها را جمع‌آوری می‌کردند. امر گردآوری مالیات‌ها دشوار بود. شکایت مالک از رعیت (۱۶۳)، طفره رعیت از پرداخت مالیات (۲۷۳، ۲۸۷)، پرداخت مواجب سرباز (۳۲۷) و سرکشی رعیت و بردن سهم دیوان (۳۳۷) چالش‌هایی بود که در این مسیر وجود داشت.

در این موارد مأمور دیوان اعزام می‌شد تا مالیات را دریافت (۳۹۳) یا موضوع را رسیدگی و با مالکان قرار جدید پرداخت را بگذارد (۲۸۹)، در غیر این صورت رعایا و کدخدایان را در سراب حاضر (۲۹۹، ۳۳۳، ۳۳۷، ۲۷۳) و تأدیب (۳۴۲) کند. چنانچه اختلافات حل می‌شد (۳۹۴)، التزام پرداخت مالیات (۳۵۰، ۳۹۷) اخذ می‌شد.

ایراد خسارت به اموال

هجده مورد گزارش به مقوله‌های مربوط به ایراد خسارت روستاییان به یکدیگر اختصاص دارد: چرای یونجه‌زار و مراتع (۱، ۱۲۴، ۱۰۸، ۱۹۶، ۲۱۳، ۲۹۴)؛ تضییع اموال و محصول (۷، ۱۴۵)؛ غارت و تخریب منازل (۱۴، ۷۱)؛ قطع درخت فرد بدهکار (۳۵۹)؛ هجوم به روستای دیگر و آتش زدن محصول (۱۳) و کشتن احشام (۱۲۰، ۱۳۲) از این جمله است.

این موارد که بیشتر از اختلافات ملکی، مالی - ناتوانی در پرداخت قرض - و اجتماعی ناشی می‌شد، به‌طور معمول با هدف مجبور کردن فرد به انجام تعهد (۳۳۹) یا رفتار مورد نظر صورت می‌پذیرفت. نیز اختلافات اجتماعی، ستیزه‌گری و تخریب اموال برای انتقام‌گیری و سرکوب رقبا (۳۰۷) یا تنبیه وی بود.

چون در جامعه روستایی امکان حل این‌گونه چالش‌ها وجود نداشت، حکومت مداخله و دادرسی می‌کرد. شماری از این چالش‌ها از سوی مأموران اعزامی به روش تأدیه خسارت (۷۱، ۱۲۰) یا گذشت طرفین، مصالحه می‌کردند (۱، ۱۳، ۱۴، ۲۷، ۱۰۸، ۱۲۴). در صورت عدم مصالحه، اصحاب دعوی برای بررسی به سراب احضار می‌شدند (۵۳).

قتل

در چهارده گزارش مربوط، مقوله‌های شناسایی شده چنین است: شکایت از متهم به قتل (۳۶)، وقوع قتل در اثر نزاع جمعی (۵۳، ۶۸، ۷۳، ۱۳۷، ۱۵۲، ۱۷۰، ۲۸۴، ۳۳۶، ۳۴۴)، قتل همسر (۹۹)، تقاضای دستگیری قاتل فراری (۲۳۹) و درخواست رسیدگی به وقوع قتل (۳۶۷).

مسائل جامعه روستایی ایران در آغاز سده ۱۴ق/ ۲۰م (نمونه محال ثلاث) ————— شهرام یوسفی فر

در این موارد مأموری برای احضار متهمان، شهود و انجام تحقیقات محلی اعزام و در مقر حکومت رسیدگی و تعیین مجازات صورت می گرفت. یک مورد «خون بس» شد (۲۸۴). بیشتر درگیری های منجر به قتل از اختلافات مالی و ملکی نشئت می گرفت.

مسائل ارث

چالش مربوط به ارث، معمولاً حقوقی و پیچیده بود: در دوازده مورد چالش های مربوط به ارث در این مقوله ها شناسایی شد: درگیری ورثه بر سر تقسیم ترکه (۱۸۰)؛ دعوی بر سر دریافت اجاره از املاک مورد دعوی (۱۸۰)؛ اغتشاش در اسناد مالکیت وراث (۴۰۰)؛ طلب ارث زن از سوی شوهر از خانواده پدری یا مادری وی (۵۶، ۶۷، ۲۹۵) و ادعای وارث در باب ارث پدری و مادری از اقوام (۶۹، ۷۷، ۸۲، ۱۴۱، ۱۸۸). این چالش ها معمولاً با درگیری، ایراد خسارت (۲۶۲)، جرح یا غصب اموال (۲۹۵) توأم بود.

در این موارد مأمور برای رسیدگی اعزام (۷۷) می شد که برخی از موارد با قراردادهای جدید تسویه و ختم می شد (۶۹، ۱۴۱، ۱۸۸، ۲۶۲). در صورت عدم مصالحه امر به محضر شرع (۷۷) ارجاع و یا طرفین برای دادرسی به سراب (۱۱۹) احضار می شدند.

احضار افراد به دیوان

احضار افراد به دیوان دو روال کلی داشت: نخست، چون در باب چالش طرح شده در دیوان، امکان صدور حکم وجود نداشت، باید طرفین احضار می شدند. هشت مورد از گزارش ها در موضوعات مختلف به این امر باز می گشت (۹، ۱۰، ۵۴، ۵۵، ۱۳۵، ۱۶۵، ۱۹۲، ۲۱۴) و دوم، مأمور برای رسیدگی به روستا اعزام می شد و چون قضیه فیصله نمی یافت، طرفین برای دادرسی به سراب احضار می شدند. شمار این مورد بسیار بیشتر از مورد نخست بود و معمولاً در موارد مهم کدخدایان و ریش سفیدان هم فراخواسته می شدند (۹، ۵۴).

شکایت کذب

شماری از شکایات نزد حکومت بی اساس بود. ۲۶ مورد از این دست شکایات پس از بررسی چنین بودند. در این شکایات مقوله های مطرح چنین بودند: ادعای بریدن زلف عیال و غارت خانه (۲۳۸)، ادعای طلب (۲۰۶، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۸۶، ۳۲۳، ۳۲۵)، سرقت اموال (۹۰)،

۲۵۵، ۳۸۵)، ادعای ضبط محصول و اموال (۱۸۱، ۲۴۷، ۲۷۲، ۳۳۲)، گرو گرفتن اموال (۱۸۷)، اجرای محصول (۲۹۴)، ایراد جرح (۲۷۲) و تجاوز به زن (۸۴، ۱۵۵).
به نظر می‌رسد پس از بررسی محلی از سوی مأمور اعزامی، گاه بی‌اصل بودن دعوی روشن می‌شد یا فرد از ادعای خود نکول می‌کرد (۲۵۵) یا مشخص می‌شد فرد در گزارش موضوع اغراق کرده بود (۱۸۱). احتمال دارد شماری از این موارد با پادرمیانی ریش‌سفیدان به انصراف شاکی می‌انجامید و مأمور ترجیح می‌داد به مرکز اعلام کند، موضوع صحت نداشته است (۲۴۷، ۳۳۲). در این موارد شهادت معمرین در باب موضع اخذ می‌شد (۲۳۸، ۳۲۵).

مسائل مربوط به اخلاق جنسی

هفت گزارش در باب مسائل جنسی، به منزله مخفی‌ترین نوع جرائم و آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی در روستاها وجود دارد. روشن است این تعداد با شمار واقعی رفتارهای نابهنجار جنسی زمانه در جامعه روستایی تناسبی ندارد. بنا به معمول، بخش مهم این‌گونه وقایع و چالش‌ها در مراحل اولیه مخفی یا به فوریت رفع می‌شد. بخش کم‌تری از این موارد به افراد خارج از خانواده و به‌ندرت مانند شکایت رسمی در دیوان می‌انجامید. مقوله‌های مربوط در گزارش‌ها چنین است: ادعای زن در دست‌درازی مرد به وی (۷۰، ۸۴، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۷۳، ۲۲۳، ۲۲۵) و یک مورد لواط (۵۹). به نظر می‌رسد به دلیل انصراف مدعیان از پیگیری موضوع، همه موارد منع تعقیب و پیگیری باشد.

سایر مقوله‌ها

چالش‌های اجتماعی که شمار کم‌تری از مقولات ذکرشده بالا داشتند، چنین بودند: وقوع درگیری بین ایلات و روستاییان (۳ مورد)، عدم تمکین به مأمور دولت (۲ مورد)، چالش‌های مربوط به وقف (۱ مورد)، دعوی حقوق و دستمزد و اجرت (۱ مورد)، جعل سند (۱ مورد) و دخالت انجمن ایالتی در امور ولایت (۱ مورد) و موارد دیگر.

نتیجه

بررسی گزارش‌های مربوط به چالش‌ها و مسائل جامعه روستایی منطقه ثلاث در سال ۱۳۲۵ هجری نشان می‌دهد عرصه‌های کلان مشکل‌ساز در زندگی روزانه روستاهای مزبور، طیف متنوعی را دربر می‌گرفت. موارد گزارش‌شده جدای از بسیاری مشکلات ساده‌تری بود که در

مسائل جامعه روستایی ایران در آغاز سده ۱۴ق/ ۲۰م (نمونه محال ثلاث) ————— شهرام یوسفی فر

سطح مقامات و مراجع روستایی حل و فصل می‌شد و البته، سوابقی از آن امور به دست نیامده است. اولین چالش در روستاها مسائل مالی بود که ظاهراً بخشی از آن به شرایط متلاطم اقتصادی و کاهش توان روستائیان به ادای تعهدات مالی باز می‌گشت. امری که اعمال خشونت و ستیزه‌های اجتماعی را در پی داشت.

در این شرایط سرقت‌هایی که مجرم دستگیر نمی‌شد، زیاد بود. با عنایت به اینکه کشف سرقت و اعاده اموال سرقتی در جامعه روستایی از سوی مراجع محلی بسیار سریع رخ می‌داد. تعداد شکایت‌های طرح شده در این موضوع نزد حکومت دومین مورد را به خود اختصاص داده است. مقاومت در برابر سارق خشونت و ضرب و جرح در پی داشت. برخی سرقت‌ها جنبه انتقام‌گیری و تسویه حساب فردی یا جمعی داشت و در این موارد مسئولیت متوجه ریش سفیدان و کدادهای محال بود. بررسی دعاوی مربوط به سرقت، شناسایی اموال، رد مال و اخذ رضایت یا مجازات مجرمان روندی پیچیده بود. چالش‌های مربوط به کتک کاری و زدوخورد، به طور معمول با وساطت مراجع محلی حل و فصل می‌شد، مگر در مواقعی که درگیری بر سر مسائلی جدی و غیرقابل رفع، مانند اختلاف مالی و ملکی یا خانوادگی و وقوع رفتارهای مجرمانه، چون نقص عضو و خسارت اموال توأم می‌شد. دشواری وضع اقتصادی از عوامل تشدید کننده تعارضات اجتماعی بود.

بخشی از این گونه تعارضات روابط مالک و رعیت را دچار بحران کرده بود. شماری از رعایا توان پرداخت بهره مالکانه و مالیات دیوان به مالک را نداشتند و وی نیز در برابر حکومت درمانده می‌شد. حکومت باید در این موارد وارد می‌شد و از منافع مالک و خود دفاع می‌کرد. البته، گاه باید زیاده‌ستانی‌های مباشران نیز منع می‌شد. بروز برخی تغییرات در روابط مالک و رعیت در اثر فضای انقلاب مشروطه و مصوبات مجلس (لغو تیول، تسعیر و موارد دیگر) و نیز خواست اصلاحات در مناسبات ملکی و مالی دیوانی بر شعله این نزاع‌ها می‌دمید. مشکل دائمی تثبیت مالکیت در روستاها نیز جدی بود. تصرف ملک در اثر اختلافات مالکیت، اختلافات بر سر املاک مشاع و نحوه تقسیم محصول و تداوم مشکلات روستائیان در سالیان متمادی، موضوع را پیچیده می‌کرد. شتاب تغییرات اقتصادی ناشی از رشد اقتصاد پولی در جامعه روستایی به معاملات مشروط ملک دامن زده بود. درواقع، بیع مشروط بیشتر قالبی برای مشروع کردن معاملات پولی بود و در درجه دوم تضمینی برای قرض پول و واگذاری مشروط سهمی از مالکیت ملک به وام‌دهنده. همه این‌ها نشانه‌ای از بروز بحران‌های ناشی از مقروض شدن تولیدکنندگان و مالکان خرد در شرایط نامطلوب بود. تسویه معاملات بیع شرط

بسیار دشوار و مستلزم حلاجی دادوستدهای مدت‌دار تسویه ارقام متعدد معاملاتی درهم رفته بود. بحران معاملات ملکی خود را در فصل درو و برداشت محصول از املاک مورد اختلاف نشان می‌داد. در همه این موارد درخواست از حکومت برای ورود به دعوی و فشار برای حل و فصل منازعات بود.

برخی از منازعات زن و شوهرها چنان بود که باید با ورود مأمور حکومت رسیدگی می‌شد. بیشتر درگیری‌ها به مسائل مالی در روابط زن و مرد، خاصه هنگامی که به مخاصمه و ترک زناشویی می‌انجامید، ربط داشت. مورد دیگر به رفتارهای ناشی از فرار زن با دوستارش دلالت داشت. مواردی که گزارش شده است دلالت بر بی‌پناهی زن در ایفای حقوقش نزد مراجع محلی دارد. به نظر می‌رسد فقر و ناتوانی در تأمین مخارج خانواده و فروپاشی آن، مهم‌ترین عامل در ایجاد این چالش بود. برخی از مشکلات روستاها به ناکارآمدی‌های دستگاه اداری و عوامل اجرایی ربط داشت. در زمینه اجرای اوامر حکومت چنانچه مأموران نمی‌توانستند با همراهی مراجع روستایی وظیفه خود را اجرا کنند، با مقاومت ملاکان و بزرگان محل، مباحثان آن‌ها و کدخداهای روبه‌رو می‌شدند. بروز ضعف دولت مرکزی و نمایندگانش در ولایات به‌خوبی در امتناع روستائیان از ادای وظایف معمول بازتاب دارد.

بحران‌های اقتصادی و رسوخ آن در جامعه روستایی جریان پرداخت مالیات‌ها از سوی روستائیان و ملاکان را دچار وقفه کرده بود. مأموران باید با رعایت جوانب احتیاط بر پرداخت مالیات‌های مقرر اصرار می‌ورزیدند یا از طریق تمدید موعد پرداخت و پیگیری‌های قضائی مالیات‌ها را وصول می‌کردند. دشواری‌های دریافت مالیات از مالکان غائب یا بزرگ مالکان بسیار بیشتر بود. در شرایط بد اقتصادی دست‌درازی‌ها و تعدیات روستائیان به اموال و دارایی‌های یکدیگر نیز شیوع یافته بود. تخریب و اتلاف محصول یا غنم و اموال روبه‌ای معمول در تسویه حساب‌های ناتمام یا اعمال قوه قهریه به طرف و وادار کردن وی به تمکین بود. رسیدگی و تسویه این امور نیز وقت‌گیر و چالشی اساسی در ساماندهی روابط با روستائیان به‌شمار می‌رفت.

برخی از خشونت‌های فردی یا جمعی قتل را رقم می‌زد و در یک سال، چهارده مورد گزارش شده بود. البته، موارد فیصله‌یافته از سوی مراجع محلی معلوم نیست. بر اساس اطلاعات موجود، بیشتر قتل‌ها ریشه در اختلافات مالی و ملکی داشت. دغدغه‌ها و چالش‌های اقتصادی چهره دیگر خود را در مسئله دعوی بر سر تقسیم ارث نشان می‌داد. همه موارد به چگونگی تقسیم ارث، تلاش برای حذف برخی از وراثت ربط داشت. سرریز مسائل اجتماعی

مسائل جامعه روستایی ایران در آغاز سده ۱۴ق/ ۲۰م (نمونه محال ثلاث) ————— شهرام یوسفی فر

و اقتصادی در امور اخلاق عمومی و فردی خود را در اشکال مسائل جنسی نشان می‌داد: تعرض‌های خشونت‌بار و تجاوز رویه‌ای برای انتقام‌گیری و اعمال خشونت بود. در جمع‌بندی از تصویری که از مسائل و چالش‌های اقتصادی و اجتماعی در گزارش‌های دیوان منطقه ثلاث در ۱۳۲۵ هجری ترسیم می‌شود، سلسله مراتب مسائل اجتماعی چنین است:

چالش‌های مالی در سطح اقتصاد و اجتماع روستایی، پدیده سرقت‌های کلان و خرد، نزاع‌های فردی و جمعی و ایراد ضرب و جرح، خصومت‌های مالک و رعیت، چالش‌های مالکیت اراضی و مستغلات روستایی، مشکلات درون خانوادگی، ضعف دستگاه‌های اداری و شکل‌گیری مقاومت‌ها در برابر آن، بحران‌های مالیات‌ستانی، رفتارهای تخریبی و خشونت علیه دارایی‌های یکدیگر، قتل و تعرض جنسی.

نظر به اینکه مقوله‌های ذکرشده تصویری مستند از مسائل واقعی جامعه روستایی، در منطقه‌ای معین (ثلاث) در اختیار می‌گذارد، مقوله‌های تدوین‌شده را می‌توان زمینه‌هایی برای پژوهش در جوانب مناسبات روستایی ایران در آستانه مشروطیت معرفی کرد. در مقایسه اجمالی مقولات اجتماعی معرفی‌شده در این پژوهش با آنچه به‌منزله مسائل جامعه روستایی در رسانه‌های وقت انعکاس داشته است، شکاف جدی بین وضعیت واقعی و تصور برخاسته از مسائل اجتماعی در آستانه مشروطیت را ارزیابی کرد. به‌گونه‌ای که روشن شد، نارضایتی‌هایی در حوزه مسائل مالیاتی و ملکی در این دوره وجود داشت؛ اما از یک سو این مشکل یکی از چند چالش مهم در روستا بود و دیگر مسائل (مالی، ملکی، چالش‌های اجتماعی) در بررسی و تبیین دقیق ریشه‌های شکل‌گیری جنبش‌های روستایی نادیده انگاشته شده است. از این رو، درک عمیق زمینه‌های شکل‌گیری نارضایتی روستاییان در جریان انقلاب مشروطه و تداوم آن در سال‌های بعد، نیازمند درک عمیق‌تر و همه‌جانبه از مسائل جامعه روستایی هستیم. بدون تردید دست‌یابی به اسناد و مدارک مربوط و توسعه الگوی مطالعه حاضر به دیگر نواحی کشور در دوره مورد نظر، تدارک ضروری برای ارائه توصیفی گسترده و عملی از مسائل جامعه روستایی ایران را فراهم می‌آورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. شرایط جوامع روستایی ایران در دوره مشروطیت، از محرک‌های اصلی جنبش دهقانی (یزدانی، ۱۳۷۱) بود و چالش‌های کلان اقتصادی و اجتماعی (تحولات مالکیت زمین، مالیات و بهره مالکانه و عوارض مختلف، تیول‌داری) (لمبتون، ۱۳۶۲: ۳۳۱ - ۳۳۳) و مشکلات ناشی از حاکمیت بزرگ

- مالکی، در شکل‌دهی به جریان‌های سیاسی و فکری مؤثر بودند. برای ملاحظه بررسی از مسائل کلان اجتماعی ایران در ابتدای قرن ۱۴ / ۱۹ م، ر.ک: یوسفی‌فر، ۱۳۹۸ ب.
۲. گزارش رسانه‌ها و کنشگران از مسائل در هر دوره، تابع الگوهای هدایت‌شده‌ای است (برای دیدن بررسی و نقد این امر، ر.ک: لوزیک، ۱۳۸۸: بخش اول).
۳. برای بررسی و نقد ادبیات پژوهشی در مطالعات روستایی ایران، ر.ک: یوسفی‌فر، ۱۳۹۰ نیز ر.ک: ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸؛ بررسی تفصیلی دلایل غفلت از مطالعات روستایی در ایران، خرمشاد و جعفری، ۱۳۹۲: ۱۳۵ - ۱۴۰.
۴. روابط دیوان‌های عرف و محاکم شرع نیز تابع الگوی نظام‌یافته‌ای با تمایل به غلبه دیوان عرف، تعریف شده بود (ر.ک: یوسفی‌فر، ۱۳۹۸ ب)

منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۸). «تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران، توسعه محلی (روستایی - شهری)». توسعه محلی. د ۱. ش ۱. صص ۷ - ۳۴.
- افشارکهن، جواد (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی. تهران: جامعه‌شناسان.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۵). ایدئولوژی نهضت مشروطیت. تهران: پیام.
- _____ (۱۳۸۵). اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار). تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶). افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرشده دوره قاجار. تهران: آگاه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۶). فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران. تهران: پیام.
- _____ (۱۳۶۲). امیرکبیر و ایران. تهران: خوارزمی.
- آفاری، ژانت (۱۳۸۵). انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه رضا رضایی. تهران: بیستون.
- خرمشاد، محمدباقر و روح‌الله جعفری (۱۳۹۲). «کار بست مکتب آنال در مطالعات روستایی ایران». روستا و توسعه. س ۱۶. ش ۲. صص ۱۳۳ - ۱۵۳.
- دفتر ثبت احکامات حضرت والا شاهزاده عمادالسلطنه در حکومت شقاقی و بلوکات ثلاث (۱۳۸۹). به‌کوشش بهمن بیانی و سعاد پیرا. تهران: تاریخ ایران.
- طبیبی، محمد (۱۳۸۸). نظام قضائی و آیین دادرسی ایران، از افشاریه تا انقلاب مشروطه. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- فلور، ویلم و امین بنانی (۱۳۸۸). نظام قضائی عصر قاجار و پهلوی. ترجمه حسن زندیه. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

- مسائل جامعه روستایی ایران در آغاز سده ۱۴ق/ ۲۰م (نمونه محال ثلاث) ————— شهرام یوسفی فر
- کرون، جیمز (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی*. ترجمه مهرداد نوابخش و فاطمه کرمی. تهران: جامعه‌شناسان.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳). *تاریخ انقلاب مشروطه ایران*. ۲ ج. تهران: امیرکبیر.
- الگار، حامد (۱۳۵۶). *دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجاریه*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- لمبتون، ان. کاترین (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی.
- لوزیک، دانیلین (۱۳۸۸). *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*. ترجمه سعید معیدفر. تهران: امیرکبیر.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۰). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- مهدوی دامغانی، احمد (۱۳۸۳). «محاكم قضائی در زمان قاجاریه». *کانون*. ش ۵۴. صص ۸۸ - ۹۶.
- وقایع اتفاقیه (۱۱ ربیع الاول ۱۲۷ق). نمرة ۴۰۷. ۲ - ۴.
- ————— (۲۲ جمادی‌الثانیة ۱۲۷۹). نمرة ۵۳۶. ۶.
- وقایع عدلیه (سلخ ذی‌حجه ۱۲۸ق). س ۱. ش ۱. صص ۲ - ۳. و همان (محرم ۱۲۸۸ق). س ۲. ش ۲. ص ۱.
- یزدانی، سهراب (۱۳۷۱). «مسئله ارضی و دهقانی در انقلاب مشروطیت ایران (۱۳۲۴ - ۱۳۲۶)». *نگاه نو*. ش ۸. صص ۱۹ - ۴۱.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۸ الف). «گردش کار اداری بین محاکم عرف و شرع در آستانه مشروطیت، بر اساس بایگانی دیوان عدلیه اعظم (۱۳۲۲ ه)». *گنجینه اسناد*. س ۲۹. دفتر ۲. صص ۱۵۰ - ۱۷۵.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۸ ب). «بررسی مسائل اجتماعی ایران در اسناد دیوان عدلیه اعظم». *مجله ایران‌شناسی*.
- ————— (۱۳۹۰). *شهر و روستا در سده‌های میانه ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Kondo, N. (2017). *Islamic law and society in Iran: A social history of Qajar Tehran*. Routledge. London and Newyork.

Problems of Iranian Rural Society at the Beginning of 19/13 Century (Sample Muhal Solas)

Shahram Yousefifar^۱

Abstract

This study was carried out on the social history of the village in Iran and to identify and categorize the social issues in the villages of Salas area in 1325 AH. Despite the importance of rural society in Iranian history and the eve of the Constitutional Revolution, few studies have focused on issues of the peasant movement and territorial issues, relying on observers, activists, and little reflection on rural issues in the media at the time.

While understanding rural society requires a deep and comprehensive understanding of social relationships based on a comprehensive description of the reality of the community in question at any given time. The present study was conducted on the basis of a set of legal documents (Execution Office, 1325 AH) related to a sample province (Mahallah Salas and Shaghaghi), comprising a homogeneous community of middle villages, Garmrood and Sarab, to ask what were the challenges and social issues of the rural communities in question?

According to the nature of the question, the qualitative research paper is identified and extracted by reviewing the relevant documentation, processing their themes, analyzing them, and finally organizing them into conceptual frameworks and qualitative categories. The results showed that the most important challenges and social issues of the rural community in question were as follows: financial challenges, acts of violence and social strife, robbery, slavery, and refusal of financial obligations, family challenges, non-payment. Court taxes, non-property damage claims, property seizures and more.

Keywords: Financial Challenges, Supervisory Interest, Property Occupation, State Tax Issues, Rural Community Issues.

^۱ Professor of History, Tehran University